

امکان انتخاب رفتارهای چندگانه در فضای شهری: یک چارچوب مفهومی^۱

لیلا غفاری^۲

کلیدواژگان: رفتارهای چندگانه، نیازهای بنیادین انسان، زندگی اجتماعی، قابلیت‌های محیط.

مبحث و از این طریق به بررسی رابطه رفتار، نیازها، فضای شهری پرداخته می‌شود. به طور کلی، یافته‌های این مطالعه بر این دلالت دارد که اگر طراحی شهری بتواند محیطی را فراهم آورد که از وقوع رفتارهای متنوع پشتیبانی کند و نیازهای متنوع‌تری را پاسخ دهد، مردم بیشتری دلیلی برای مکث در فضا می‌یابند و به‌تدریج زندگی به فضاهای شهری بازمی‌گردد. در این نوشتار، این مفهوم با عنوان «امکان انتخاب رفتارهای چندگانه» در فضای شهری معرفی و چارچوب مفهومی به منظور نیل به این مقصود عرضه می‌گردد. دستیابی به این هدف، وابسته به حضور دو نوع کیفیت در فضا است. نوع اول کیفیت‌هایی هستند که امکان حضور در فضای شهری را فراهم می‌کنند و شامل دسترسی، پیاده‌رواری، ایمنی و امنیت، آسایش اقلیمی، امکان مکث طولانی، همه‌شمول بودن، و انعطاف‌پذیری می‌شوند. این کیفیت‌ها پیش‌نیاز وقوع هر گونه رفتاری به‌شمار می‌روند و بدون آن‌ها هدف وقوع رفتارهای چندگانه در ابتدای مسیر با شکست مواجه می‌گردد. کیفیت‌های نوع دوم، کیفیت‌هایی هستند که تمایل به حضور در فضای شهری را افزایش می‌دهند و کیفیت‌های اختلاط کاربری و فعالیت، خوانایی کالبد و فرصت‌ها، کیفیت عرصه همگانی، حسن زمان، غنای حسی، پاکیزگی محیطی، شخصیت بصری، مقیاس انسانی، و وجود دلیل مکث را دربر می‌گیرد. تأمین همه این کیفیت‌ها در کنار هم، بستری مناسب برای وقوع رفتارهای چندگانه فراهم می‌آورد و در نهایت منجر به حضور بیشتر مردم در فضاهای شهری و افزایش تعامل مردم با یکدیگر و با محیط خواهد شد.

چکیده
امروزه نقش فضاهای شهری به ارتباط‌دهنده بین مقصدها تقلیل یافته و مردم به دنبال کوتاه‌ترین راه برای رسیدن به مقصد هستند و دیگر انگیزه‌ای برای مکث در فضای شهری نمی‌یابند. چرا که محیط قابلیت تأمین رفتارهای متنوع را ندارد و پاسخ‌گوی نیازهای گروهی اندک است. این در حالی است که مردم به حضور در فضای شهری و فضای شهری به حضور مردم نیاز دارد و ادامه این روند، سلامت شهر و شهروندان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. اگر طراحی شهری بتواند محیطی را فراهم آورد که حضور مردم در فضا افزایش دهد، به‌تدریج زندگی به فضای شهری بازمی‌گردد. بر این اساس، هدف در این مطالعه، بررسی رابطه رفتار با فضای شهری، چگونگی افزایش حضور مردم در فضا و رابطه نیازهای انسانی و فضای شهری و بیان چارچوب مفهومی برای بازگرداندن زندگی به فضاهای شهری است. در این بررسی، دو مدل نیازهای مالرو و ماکس نیف معرفی و مدل ماکس نیف مطالعه این پژوهش گردیده است. به طور کلی، در این پژوهش به تحلیل انتقادی ادبیات موضوعی این

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری با عنوان طراحی فضای شهری با امکان انتخاب رفتارهای چندگانه، راهنمای طراحی شهری معطوف به تقویت زندگی اجتماعی در خیابان سریع‌تپه تهران است که به راهنمایی دکتر کورش گلکار و مشاوره مهندس عباس شعیبی شهردیور ۱۳۹۰ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است.
۲. کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی؛
Ghaiffari.leila@gmail.com

مقدمه

امروزه نقش فضاهای شهری در تهران، به ارتباط‌دهنده بین مقصدها تقلیل یافته و در آن‌ها زندگی اجتماعی اتفاق نمی‌افتد. تعداد کسانی که در فضاهای شهری دلیلی برای مکت می‌یابند اندک است. چرا که قابلیت‌های محیط برای پذیرش رفتارهای متنوع بسیار پایین است و افراد کمی انگیزه لازم برای حضور در فضا را می‌یابند. مردم، که همچنان به‌ناچار از فضاهای شهری استفاده می‌کنند، هر روز بیش از پیش در معرض بدرفتاری هستند. به طور کلی آنچه این فضاهای شهری را با مسئله مواجه می‌کند، نادیده انگاشتن نقش مردم در فضای شهری و طراحی بی‌توجه به تمایلات آن‌ها است. در حالی که اگر در فضای شهری امکان انتخاب رفتارهای چندگانه فراهم آید، به صورتی که نیازها و تمایلات متنوعی را پاسخ‌گو باشد، افراد بیشتری دلیلی برای مکت می‌یابند و زندگی به فضاهای شهری باز می‌گردد.

هدف در این نوشتار، تدوین چارچوبی مفهومی به منظور ایجاد امکان انتخاب رفتارهای چندگانه در فضای شهری است و از چهار بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول، بررسی اهمیت مسئله و میزان تأثیر طراحی شهری بر آن است. در بخش دوم ادبیات موضوعی مرور و مفاهیم مربوط به رفتار، نیازها و رابطه فضای شهری و شکل‌گیری رفتارها بررسی می‌شود. در بخش سوم، نظرات مختلف در خصوص عوامل مؤثر در افزایش استفاده مردم از فضا مطالعه می‌گردد، و در نهایت در بخش آخر، چارچوب مفهومی برای ایجاد امکان انتخاب رفتارهای چندگانه در فضای شهری تدوین می‌شود. مقیاس مد نظر در این پژوهش فضای شهری است که عمومی بوده و در مقیاس شهر قابل استفاده است.

۱. دلیل اهمیت حضور یافتن یا نیافتن مردم در فضاهای شهری

حضور نیافتن و مکت نکردن مردم در فضاهای شهری به دو دلیل اهمیت دارد. از طرفی فضای شهری به حضور مردم نیاز دارد و از سوی دیگر، مردم به حضور در فضای شهری نیازمندند. فضاهای شهری، قلب تپنده شهرها، و عامل سرزندگی و حفظ و ارتقای زندگی شهرها هستند. حضور انسان‌ها در این فضاها (و نه فقط عبور از آن‌ها) است که پویایی این فضاها را حفظ می‌کند.

پرسش‌های تحقیق

۱. طراحی شهری به چه میزان بر وقوع رفتارها در فضای شهری مؤثر است؟
۲. استفاده از فرصت‌های رفتاری در فضای شهری به چه عواملی وابسته است؟
۳. چگونه می‌توان با ایجاد امکان انتخاب رفتارهای چندگانه در فضای شهری، زندگی اجتماعی را تقویت کرد؟



ابتدا ما شهرها را شکل می‌دهیم و سپس شهرها ما را.^۵

۲. دلیل کاهش تمایل مردم به مکث در فضای شهری

هنگامی که فضا فرصت‌های رفتاری محدودی را فراهم می‌کند، تعداد کمی از افراد رفتار مورد نظر خود را در فضا می‌یابند و در نتیجه اکثر افراد از داخل فضا بدون مکث عبور و عده اندکی برای بهره‌مندی از فرصت رفتاری موجود توقف می‌کنند. اما اگر در همین فضا، تعداد فرصت‌های رفتاری افزایش یابد، به همان نسبت تعداد افرادی که دلیلی برای مکث می‌یابند بیشتر می‌شود و عده کمتری بدون مکث از فضا عبور می‌کنند. بنا بر این، محدودیت فرصت‌های رفتاری و فعالیتی در فضای شهری، تمایل مردم به مکث در فضا را به طرز قابل‌توجهی کاهش می‌دهد. به طور مثال، در خیابان شریعتی تهران، علی‌الخصوص در جبهه شرقی، دیوارهای متعددی که هیچ فعالیتی در طول آنها جریان ندارد، و کالبدی که از هیچ‌گونه تنوع رفتاری حمایت نمی‌کند، تمایل مردم به مکث در این مسیر را به شدت کاهش می‌دهد و سرعت عبور مردم در امتداد این جداره‌ها به طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد.

۳. تعریف مفهوم رفتارهای چندگانه

فضای پشتیبان رفتارهای چندگانه، به شهر سرزندگی می‌دهد. مردم در چنین فضاهایی تماشا می‌کنند، خریدوفروش می‌کنند، قرار می‌گذارند، تفریح می‌کنند، می‌ایستند و راه می‌روند. در چنین فضایی است که مردم می‌توانند فارغ از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود، حضور یابند. هنگامی که مردم از انومبیل خود خارج می‌شوند، همه در یک سطح دیده می‌شوند.

برای بسیاری از مردم، فارغ از قضاوت دیگران بودن، لذت اصلی حضور در چنین فضاهایی است. در این فضاها، دیگران غریبه‌هایی آشنا هستند که در مورد آنچه فرد انجام می‌دهد

قابلیت پایین محیط‌ها، هر روز مکث تعداد کمتری را به دنبال دارد و به تدریج از کیفیت فضاها می‌کاهد. این کاهش کیفیت، خود باعث حضور نیافتن مردم در فضا، فقدان رفتارهای متنوع و تضعیف زندگی اجتماعی می‌گردد. ادامه این روند به فرسودگی فضای شهری و مرگ حیات اجتماعی می‌انجامد. در واقع نیاز فضای شهری به مردم این‌گونه خلاصه می‌شود که اگر فضای شهری، آن‌طور که انتظار می‌رود، از سوی مردم استفاده نگردد، قطعا طراحان در تأمین اهداف آن شکست خورده‌اند.

علاوه بر این مردم نیز به حضور در فضای شهری نیازمندند. به طور کلی، زندگی اجتماعی از مرز تنهایی آغاز می‌شود و تا روابط بسیار صمیمی و نزدیک ادامه می‌یابد. اگر فعالیتی در فضاهای شهری نباشد، اشکال انتقالی ارتباط مابین دو حد تنهایی و با دیگران بودن ناپدید خواهد شد. مردم یا در تنهایی کامل به سر می‌برند و یا با دیگران در سطح بالایی از ارتباط قرار دارند. حضور سطح میانی ارتباط در یک جامعه سالم ضروری است. زندگی در فضای شهری فرصتی است برای بودن با دیگران، به روشی راحت و بی‌دردسر. به جای مشاهده‌گری صرف و منفعل تجربیات دیگران از طریق تلویزیون، ویدئو، یا فیلم، فرد خود در فضاهای عمومی حضور دارد. مشارکتی صریح، هرچند این مشارکت کم باشد. این ارتباط سطحی موقعیتی است که از آنجا دیگر اشکال ارتباط می‌توانند رشد کنند. واسطه‌ای است برای پیش‌بینی‌نشده‌ها، خودجوش‌ها و برنامه‌ریزی‌نشده‌ها. شرط لازم بودن در فضای مشابه است.^۳

به طور خلاصه، رابطه مردم و فضای شهری به صورت یک روند دوطرفه قابل‌درک است، در آن مردم فضاها را ایجاد می‌کنند و تغییر می‌دهند، در حالی که هم‌زمان به صورت‌های گوناگون تحت تأثیر همان فضاها هستند و هر دو برای تعالی خود به نوعی به یکدیگر نیاز دارند. طراحان شهر، با شکل دادن به محیط مصنوع، بر الگوهای فعالیتی مردم و در نتیجه بر زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارند.^۴ همان‌طور که یان گل معتقد است،

۳. نک: یان گل، زندگی در فضای میان ساختمان‌ها.

۴. نک:

M. Carmona, *Urban Design Reader*.

۵. نک:

J. Gehl, *Cities for People*.

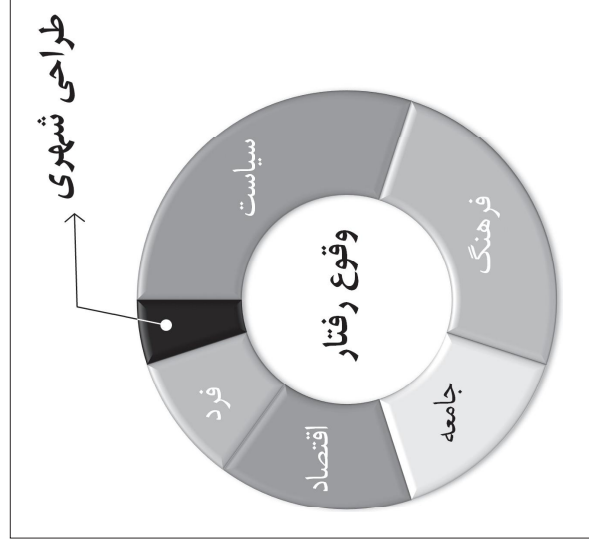
که امکان انتخاب رفتارهای چندگانه را فراهم می‌آورد، به این معنی است که فرصت برای وقوع رفتارهای متنوع فراهم شده است؛ به طوری که افراد مختلف از گروه‌های متفاوت می‌توانند دلیلی برای مکث در فضا بیابند. مکث افراد در فضا خود باعث جذب افراد بیشتری به فضا می‌شود و زندگی اجتماعی را تقویت می‌کند. همین‌طور، وقوع رفتارهای مختلف، رفتارها و فعالیت‌های جدیدی را برمی‌انگیزد و در نتیجه فضایی سرزنده ایجاد می‌گردد.

۴. میزان تأثیر طراحی شهری بر وقوع رفتارها در فضاهای شهری

تمایل مردم به حضور در فضای شهری و رخ دادن یا ندادن هر رفتار، به عوامل متعددی وابسته است و نقش طراحی شهری در این میان بسیار ناچیز است. عواملی چون سیاست، فرهنگ، هنجارهای اجتماعی، اقتصاد، و شایستگی‌های فردی، همه در انتخاب‌های رفتاری یک فرد و تصمیم او در مورد مکث در فضای شهری مؤثرند. بنا بر این طراحی شهری نقشی جزئی در این میان ایفا می‌کند. اما نکته قابل توجه این است که هرچند نقش طراحی شهری بسیار ناچیز است، این بدان معنا نیست که می‌توان آن را نادیده گرفت. چرا که اگر همه شرایط مهیا باشد، اما فضای شهری آماده پذیرش رفتاری نباشد، آن رفتار واقع نمی‌گردد. به عقیده جان لنگ، اگر محیطی قابلیت تأمین رفتارهایی را داشته باشد، و مردم نیز شایستگی استفاده از آن را داشته باشند، به معنای آن نیست که رفتارها حتماً به وقوع می‌پیوندند. اما اگر در جایی قابلیت‌های لازم نباشد، رفتاری واقع نمی‌گردد.^۶ بنا بر این لازم است که محیط برای تأمین رفتارهای متنوع برنامه‌ریزی شود. در غیر این صورت مردم رفتار خود را با محیط تطبیق می‌دهند و زندگی اجتماعی تضعیف می‌گردد. در نتیجه این مسئله در حیطه تأثیرگذاری طراحی شهری قرار گرفته و لازم است به آن پرداخته شود (ت ۱).

قضاوت نمی‌کنند و او را می‌پذیرند. فرصت‌ها، با تنوع گسترده فعالیت‌ها، افزایش می‌یابند. افراد می‌توانند در فعالیت‌ها به طور مستقیم شرکت کنند و یا از تعاضای دیگری که شرکت می‌کنند، لذت ببرند. این تنوع فرصت‌ها باعث می‌شود که مردم مختلف، فعالیت‌هایی را که لازم دارند و یا به آن تمایل دارند در فضا بیابند.^۶

اگر فعالیت‌ها و مردم گرد هم آیند، برای تک‌تک وقایع این امکان هست که یکی دیگری را برانگیزد و تحریک کند. شرکت‌کنندگان در یک موقعیت فرصت دارند که در وقایع دیگر شرکت و آن‌ها را تجربه کنند. یک فرایند خودتقویت‌کننده می‌تواند آغاز شود. انواع مختلف فعالیت‌ها، اگر اجازه داده شود، امکان قوی برای به هم بافته شدن دارند. به محض شروع رفتارها، فعالیت کل، همواره بیش از مجموع فعالیت‌های سازنده آن است. یک به‌علاوه یک حداقل سه خواهد بود.^۷ بنا بر این به طور کلی وقتی از فضایی صحبت می‌شود



۶ نک:

K.A. Frank, & Q. Stevens,
Loose space-Possibility and
Diversity in Urban Life.

۷ نک:

Gehl, ibid.

۸ نک: جان لنگ، آفرینش نظریه

معماری.

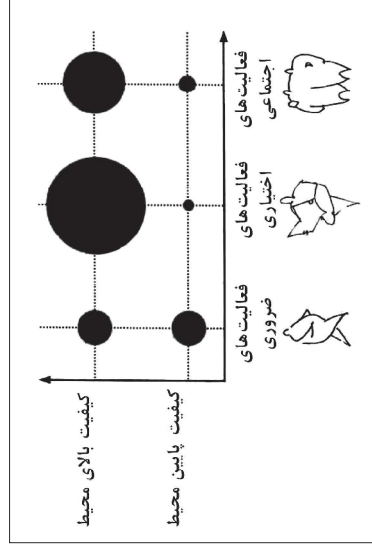
ت ۱. تأثیر طراحی شهری بر
وقوع رفتار در فضای شهری،
مآخذ: نگارنده.

۵.۱. انواع فعالیت‌های بیرونی و تأثیر محیط کالبدی

رفتارها در واقع اشکال مختلف فعالیت‌ها هستند. طبق نظر یان گل، به طور کلی سه گونه فعالیت بیرونی هست: فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی، و فعالیت‌های اجتماعی.^۹ فعالیت‌های ضروری، کمترین تأثیرپذیری را از محیط اطراف دارند، مستقل از محیط بیرونی هستند و افراد تقریباً هیچ‌گونه حق انتخابی ندارند. این فعالیت‌ها در هر شرایطی به اجبار اتفاق می‌افتند.^{۱۰}

فعالیت‌های انتخابی زمانی صورت می‌پذیرند که تمایلی به انجام آن‌ها باشد و زمان و مکان نیز فراهم‌آور زمینه‌ای مساعد باشند. در خیابان‌ها و فضاهای شهری با کیفیت پایین، حداقل فعالیت انجام می‌شود و مردم به سرعت به خانه‌های خود می‌روند. در حالی که در یک محیط مناسب، طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های انسانی امکان تحقق می‌یابد.^{۱۱}

فعالیت‌های اجتماعی وابسته به حضور دیگران در فضای عمومی هستند. این‌گونه فعالیت‌ها را می‌توان فعالیت‌های برآیندی نیز نامید. فعالیت‌های اجتماعی، به صورت خودجوش و در نتیجه مستقیم بودن مردم در فضای مشابه و حرکت در آن فضا صورت می‌پذیرد. در واقع فعالیت‌های ضروری و انتخابی،



۹. تک: همان.

۱۰. تک: همان.

۱۱. تک: همان.

۱۲. تک: 12. Gehl, ibid.

ibid

۱۳. تک: 13. ibid.

۲. تأثیر محیط کالبدی بر انواع فعالیت‌ها، مأخذ: گل، شهر انسانی، ص ۲۱.

۵. رابطه وقوع رفتار و فضای شهری

به طور کلی در خصوص میزان تأثیرگذاری محیط بر رفتار، چهار موضع مطرح است: رویکرد اختیاری، رویکرد امکان‌گرا، رویکرد احتمال‌گرا، و رویکرد چبری.^۹ در رویکرد اختیاری محیط هیچ اثری بر رفتار انسان ندارد. این رویکرد امروزه مردود است و قابلیت دفاع ندارد. امکان‌گرایان محیط را تأمین‌کننده رفتار انسان و کمی بیشتر از آن می‌دانند. در این رویکرد محیط را شامل مجموعه‌ای از فرصت‌های رفتاری می‌دانند که بر طبق آن ممکن است عملی رخ دهد یا رخ ندهد. تحلیل رفتارهای انسان نشان می‌دهد که مردم به اندازه‌ای که امکان‌گرایان فرض می‌کنند در رفتار خود آزادی عمل ندارند. در مقابل، چبرگرایان محیط را تعیین‌کننده اصلی رفتار انسان می‌دانند. این رویکرد که در دوران مدرن به اوج خود رسید، نیز به اندازه رویکرد اختیاری، قابلیت دفاع ندارد. در نهایت، احتمال‌گرایان معتقد هستند که محیط پر از قابلیت‌هایی برای رفتار انسان است، و ادراک محیط و استفاده از آن وابسته به نیازها و شایستگی‌های فردی است.^{۱۰} در این پژوهش رویکرد احتمال‌گرایان دنبال می‌شود. انتظار اینکه محیط ساخته‌شده به‌تنهایی تعیین‌کننده رفتار باشد و الگوهای رفتار اجتماعی را تعیین کند، هم ساده‌انگارانه و هم منحرف‌کننده است. در واقع همان‌طور که پیش از این اشاره شد، اگر محیطی قابلیت تأمین رفتارهایی را داشته باشد، و مردم نیز شایستگی استفاده از آن را داشته باشند، به معنای آن نیست که رفتارها حتماً به وقوع می‌پیوندند. ولی اگر در جایی قابلیت‌های لازم نباشد، رفتاری واقع نمی‌شود. بنا بر این محیط باید برای تأمین رفتارهای مطلوب برنامه‌ریزی شود، در غیر این صورت مردم رفتار خود را با محیط تطبیق می‌دهند.^{۱۱}

بنابراین فضای شهری در تعاملی دوطرفه با کاربران خود قرار دارد. انسان و محیط ساخته‌شده، به صورت مداوم و در مسیری رفت‌وبرگشتی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

پیش‌نیاز فعالیت‌های اجتماعی هستند. هر کجا که فعالیت‌های ضروری و انتخابی در فضاهای عمومی شرایط بهتری داشته باشند، فعالیت‌های اجتماعی حمایت می‌شوند. اگرچه چارچوب فیزیکی تأثیری مستقیم بر روی کیفیت، محتوا، شدت ارتباطات اجتماعی ندارد، اما طراحان شهری می‌توانند بر امکان ملاقات، دیدن، و شنیدن مؤثر باشند و نقطه‌آغازینی برای دیگر اشکال ارتباط فراهم آورند.^{۱۵} (ت ۲).

۲.۵. رابطه رفتار و فرصت‌های رفتاری موجود در محیط کالبدی

به طور کلی رابطه‌ای دوسویه میان رفتار و فرصت‌های رفتاری موجود در فضای شهری هست. به این معنی که فضای شهری به روش‌های مختلف انواعی از فرصت‌ها را به انسان عرضه می‌کند، و در مقابل، فرد نیز تحت تأثیر عوامل مختلف به انجام رفتارهایی می‌پردازد که محیط اجازه انجام آن‌ها را پیش از این به او داده است. نظریه‌پردازان مختلف در این زمینه بحث کرده و تعاریفی داده‌اند.

طبق نظر رایاپورت، محیط کالبدی برای رفتار، سرخ ایجاد می‌کند. در واقع می‌توان گفت که محیط ارتباطی غیرکلامی با انسان برقرار می‌کند. مردم بر اساس درک سرخ‌های محیطی عمل می‌کنند. بنا بر این محیط باید زمانی قابل فهم داشته باشد. اگر طراحی را روندی از شناسه گذاری بدانیم، کاربران این شناسه‌ها را رمزگشایی می‌کنند. اگر شناسه مشترک نباشد، فهمیده نشود، یا مناسب نباشد، محیط ارتباط برقرار نمی‌کند.^{۱۷} لنگ برای تبیین میزان استفاده انسان از فرصت‌های موجود، دو تعریف محیط بالقوه^{۱۸} و محیط مؤثر^{۱۹} را بیان می‌کند. محیط بالقوه رفتار، شامل فرصت‌هایی است که در محیط هست و طراحان شهری آن را ایجاد می‌کنند. اما باید توجه داشت که تأمین فرصت‌های متعدد در فضای شهری، استفاده از آن‌ها را تضمین نمی‌کند. در واقع فرصت‌هایی که مردم استفاده می‌کنند،

محیط مؤثر رفتار را شکل می‌دهد. به بیان دیگر، محیط مؤثر شامل عناصری است که برای استفاده‌کننده یا مشاهده‌کننده با معنا است.^{۲۰} می‌توان نتیجه گرفت که هرچه محیط بالقوه گسترده‌تر باشد و محیط بالقوه و مؤثر به یکدیگر نزدیک‌تر باشند، فرصت‌های کمتری بلااستفاده می‌مانند، محیط انرژی کمتری هدر می‌دهد، و بیشتر بر رفتارها و تمایلات انسان منطبق است.

علاوه بر تعریف لنگ از محیط بالقوه، در بیان فرصت‌های موجود در فضا، تعاریف دیگری نیز عرضه شده‌اند، که در همه به گونه‌ای سخن از موضوع مشابهی است. گیسون مفهوم «قابلیت‌های^{۲۱} محیط» را مطرح می‌کند؛ طبق تعریف گیسون، قابلیت‌های یک محیط کالبدی، چه خوب چه بد، چیزی است که آن محیط با ویژگی‌های پیکره‌بندی و مواد و مصالح سازنده خود پیشنهاد می‌کند. رابطه تعریف لنگ از محیط بالقوه و تعریف گیسون از قابلیت‌های محیط به این صورت است که مجموعه‌ای از قابلیت‌های محیط در یک موقعیت ویژه، محیط بالقوهای را برای رفتار انسان در مکان ایجاد می‌کند. مفهوم قابلیت، در عین سادگی، مفهومی قوی و بنیادین دارد. الگوهای مختلف محیط ساخته‌شده، قابلیت تأمین رفتارها و تجارب زیباشناختی مختلف را دارند. بنا بر این قابلیت‌های محیط ساخته‌شده، انتخاب‌های رفتاری و زیباشناختی فرد را بسته به چگونگی پیکره‌بندی محیط محدود می‌کند و یا گسترش می‌دهد.^{۲۲}

مفهوم قابلیت محیط به بعضی از مفاهیم پیشین خود ربط دارد. کافکا معتقد بود که اشیا کیفیتی درخواست‌کننده^{۲۳} یا دعوت‌کننده^{۲۴} دارند. یک جمعه پستی به پست کردن دعوت می‌کند، یا به بیان لویی کان، «یک آجر می‌خواهد که یک قوس باشد»^{۲۵} بارکر نیز معتقد است که محیط کیفیتی دعوت‌کننده دارد؛ یک سطح صیقلی به سرخوردن دعوت می‌کند و یک نیمکت به نشستن. بنا بر این دعوت‌کنندگی، عامل ایجاد قابلیت در محیط است.

نک: ۱۵

Ibid.

16. code

نک: ۱۷

A. Rapoport, *Human Aspects of Urban Form*.

18. Potential environment

19. Resultant or effective environment

نک: لنگ، همان.

21. Affordances

نک: همان.

23. Demand

24. Invitational

نک: همان.

۳.۵. ۱. فرهنگ

فرهنگ، یا نظام مشترک باورها، ارزش‌ها، نمادها، و شیوه‌های بیانگر شخصیت گروهی از مردم، کنترل قابل توجهی بر رفتار مردم دارد. اثر فرهنگ بر مردم به صورت «هنجارها» ظاهر می‌شود.^{۳۱} فعالیت مشترک و کنش متقابل، معمولاً بر اساس قواعد و ضوابطی اتفاق می‌افتد. این قواعد، هنجار نامیده می‌شوند. به طور کلی هر قسمت از رفتارهای انسان که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به دیگر انسان‌ها مربوط می‌شود، مبتنی بر هنجار است. هنجارها سه ویژگی اصلی دارند، هنجارها قاعده و استاندارد رفتار اجتماعی هستند، از سوی اکثریت رعایت می‌شوند و رعایت نکردن آن‌ها مجازات دارد. بنا بر این مشخص است که هنجارها بر رفتار مردم در فضای شهری تأثیر قابل توجهی دارند.^{۳۲}

۳.۵. ۲. شایستگی‌های فردی و گروهی

رفتار فردی و گروهی به شایستگی مواجهه با محیط مبتنی است. هر فردی برای مواجهه با محیط اجتماعی و ساخته‌شده، سطحی از شایستگی را دارد. شایستگی واژهای است که مجموعه وسیعی از شرایط، از قبیل سلامت جسمی یا روانی، ظرفیت فکری، و اعتماد به نفس، را شامل می‌شود.

هرچه شایستگی فرد بیشتر باشد، آزادی عمل بیشتری دارد و محیط‌های اجتماعی و کالبدی، رفتار او را کمتر محدود می‌کنند. در مقابل، این امکان هست که مردم قابلیت‌هایی از محیط را درک کنند، ولی به دلیل نداشتن شایستگی لازم قادر به استفاده از آن نباشند. هرچه شایستگی فرد کمتر باشد، از حیث استفاده از فرصت‌های رفتاری محدودتر و فشار بیشتری به او وارد می‌شود. به طور نمونه، سالمندان و کودکان به طور کلی شایستگی کمتری دارند و در نتیجه، قابلیت پایین محیط فشار بیشتری را بر آن‌ها می‌آورد.

اگر قابلیت‌های محیط از شایستگی های فرد کمتر باشد، محیط راحت و یکنواخت است و موضوع قابل‌چالشی ندارد.

همان‌طور که اشاره شد، قابلیت‌های محیط و دعوت‌کنندگی، همیشه مفاهیمی مثبت نیستند. به طور مثال ساخت جاده‌های جدید یک دعوت مستقیم به خرید بیشتر و استفاده وسیع‌تر از اتومبیل است، هر شهر دقیقاً همان قدر ترافیک دارد که جاده‌های آن اجازه می‌دهد.^{۳۳} البته باید توجه داشت که قابلیت‌های محیط کالبدی را نمی‌توان از محتوای اجتماعی آن‌ها جدا کرد و این دو بر هم تأثیر گذارند. گیبسون معتقد است که فضاهایی که غنی‌ترین قابلیت‌ها را دارند، بر پایه حضور مردم در محیط به این کیفیت رسیده‌اند.^{۳۴}

علاوه بر واژه «قابلیت»، واژه‌های «برزندگی»^{۳۵}، «هم‌ساختی»^{۳۶}، و «سازگاری»^{۳۷} نیز برای تبیین رابطه الگوهای رفتار و الگوهای محیط کالبدی به کار رفته‌اند. بعضی محیط‌های کالبدی برای تأمین بعضی از رفتارها قابلیت بیشتری دارند، یا بیشتر برزنده یک رفتار هستند؛ یعنی در بعضی شرایط درجه بالاتری از هم‌ساختی یا سازگاری بین محیط و رفتار هست. الکساندر معتقد است که ما در برطرف ساختن ناهماهنگی‌ها بیشتر از برزنده ساختن محیط برای فعالیت‌های انسانی موفق هستیم.^{۳۸}

۳.۵. ۳. عوامل غیر کالبدی مؤثر بر استفاده از فرصت‌های رفتاری موجود در محیط کالبدی

هرچند طراح از طریق کنترل قابلیت‌های محیط ساخته‌شده بر تجارب انسان تأثیر می‌گذارد، انتظار اینکه محیط ساخته‌شده به‌تنهایی تبیین‌کننده رفتار باشد و الگوهای رفتاری اجتماعی را تعیین کند، نابه‌جا است. همان‌طور که پیش از این بیان شد، قابلیت‌های محیط، محیط بالقوه‌ای برای رفتار انسان در مکان ایجاد می‌کند. همه این قابلیت‌ها را مردم ادراک نمی‌کنند، و از همه قابلیت‌های ادراک‌شده نیز استفاده نمی‌شود. وضعیت مردم، فرهنگ، انگیزش‌ها، تجارب، هنجارها و ارزش‌ها، و هنرینه و یاداش قابل دریافت مردم از شرکت در فعالیت‌ها و یا تفسیر زیباشناختی آن‌ها از محیط اطراف، میزان استفاده از محیط را تعیین می‌کند.^{۳۹}

۳۱: نک.

۳۲: نک.

T. Duzenli, et al. "Needs and Preferences of Adolescents in Open Urban Spaces".

۳۳: Fit این واژه، که به «برزندگی»

ترجمه شده است، مفهومی است که الکساندر برای تبیین این الگو به کار برده است (نک: همان).

۳۴: Synonymorphy این واژه، که

به «هم‌ساختی» ترجمه شده است، مفهومی است که برگر برای تبیین این الگو به کار برده است (نک: همان).

۳۵: این واژه، که

به «سازگاری» ترجمه شده است، مفهومی است که میکلسون برای تبیین این الگو به کار برده است (نک: همان).

۳۶: نک: همان.

۳۷: نک: همان.

۳۸: نک: همان.

۳۹: نک: همان.

۳۹: نک: همان.

۳۹: نک: همان.

۳۹: نک: همان.

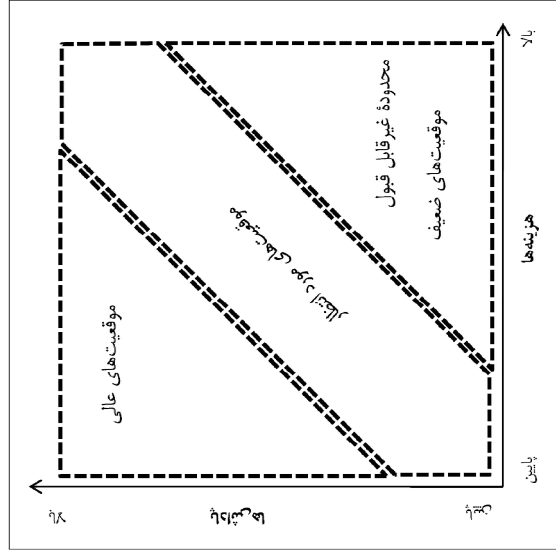
۳۹: نک: همان.

این است که هزینه و پاداش در تعادل قرار بگیرند. به طور مثال اگر فرد برای رفتن به سینما و تماشای یک فیلم (پاداش)، مجبور باشد یک ساعت از زمان خود را در ترافیک سپری کند (هزینه)، ممکن است ترجیح دهد که از تماشای فیلم در سینما صرف نظر کند.

۶. رابطه رفتار و نیازهای انسانی

به طور کلی، رفتار برای به وقوع پیوستن نیاز به انگیزه دارد. نیازها نیروی برانگیزاننده رفتارها هستند. رفتارها به طور خودآگاه و ناخودآگاه در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می‌گیرند. بنا بر این هرچه محیطی به نیازهای متنوع‌تری پاسخ گوید، امکان وقوع رفتارهای متنوع نیز در آن افزایش می‌یابد. به این ترتیب مطالعه نیازهای انسانی به درک بهتر رابطه رفتار و محیط یاری می‌رساند. برای تعریف نیازهای انسانی مدل‌های متنوعی تدوین گردیده است. یکی از این مدل‌ها، هرم نیازهای انسانی مازلو است. این مدل، نیازها را به صورت سلسله‌مراتبی معرفی می‌کند.

سلسله‌مراتب پیشنهادی مازلو به ترتیب زیر است:



کمبود قابلیت‌های محیط ممکن است توانایی‌های فرد را تقلیل دهد. طراح از طریق کنترل قابلیت‌های محیط ساخته‌شده بر تجارب انسان تأثیر می‌گذارد (ت ۳ و ۴).^{۳۵}

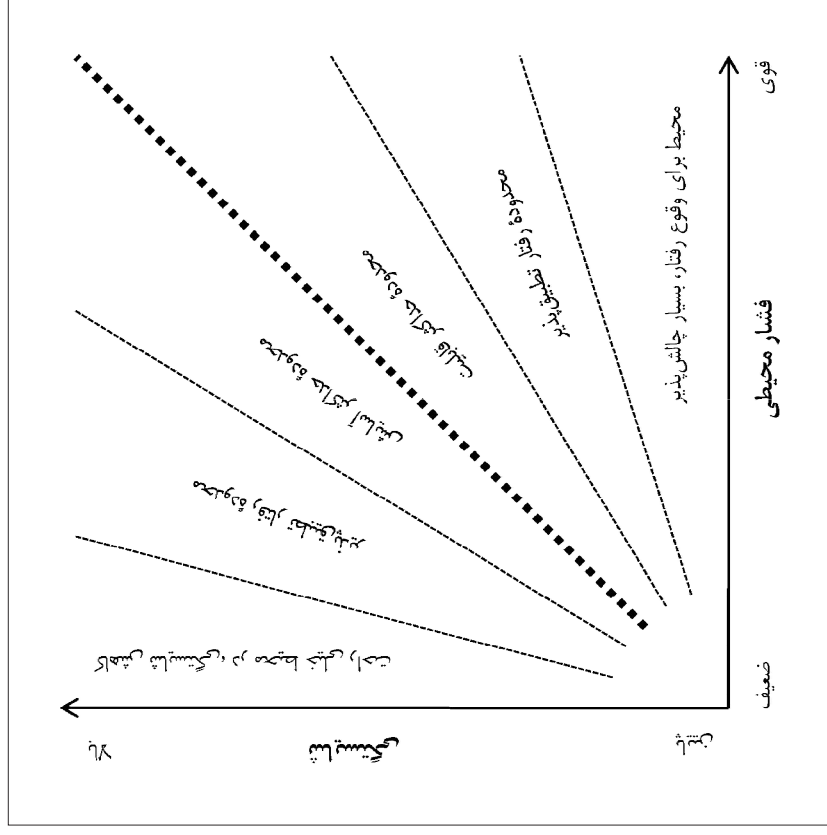
۳.۳.۵. هزینه‌ها و پاداش‌ها

منفعت و هزینه مورد انتظار فرد از حضور در محیطی خاص، بر نگرش فرد نسبت به محیط کالبدی و در نتیجه بر رفتار او تأثیر می‌گذارد.^{۳۶} اگر حضور در فضایی برای فرد هزینه بالایی در بر داشته باشد، و در مقابل آنچه به دست می‌آید ناچیز باشد، احتمال تداوم حضور فرد در آن فضا بسیار پایین است. موفقیت قابل قبول

۳۵. نک: لنگ، همان.

۳۶. نک: همان.

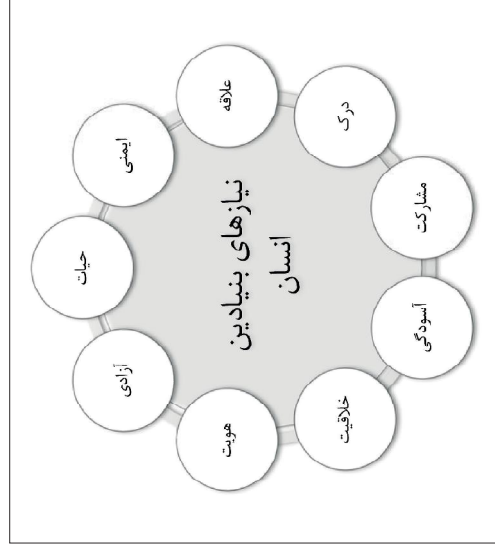
ت ۳ (راست). رابطه شایستگی‌های فرد و فشار محیطی، مأخذ: لنگ، آفرینش نظریه معماری، ۱۳۸۱.
ت ۴ (چپ). رابطه شایستگی‌های فرد و فشار محیطی، مأخذ: لنگ، آفرینش نظریه معماری، ۱۳۸۱.



فدای عقیده خویش کنند. اما به هر حال، مردم بر اساس نیازهای خود به محیط توجه می‌کنند.^{۴۵}

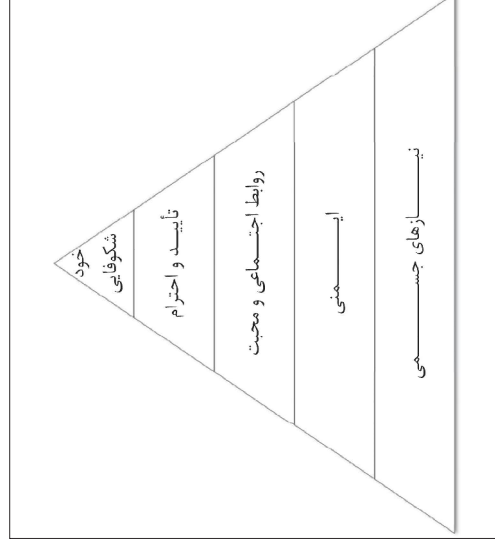
یکی دیگر از مدل‌های مورد توجه، مدل نیازهای بنیادین انسان ماکس نیف^{۴۶} است. تفاوت عمده این مدل با مدل مازلو در این است که ماکس نیف سلسله‌مراتبی برای نیازها قائل نیست. او نیازهای بنیادین انسان را به نه گروه عمده تقسیم می‌کند که از این قرارند: حیات، ایمنی، علاقه، درک، مشارکت، آسودگی، خلاقیت، هویت و آزادی.^{۴۷} در پژوهش حاضر، مدل ماکس نیف ملاک عمل قرار گرفته است. چرا که در تعریف نیازها در ارتباط با فضای شهری، مدل ماکس نیف که سلسله‌مراتب خاصی را تحمیل نمی‌کند، پایه مناسبی برای مطالعه فراهم می‌آورد (ت ۶). همان‌طور که در نقد هرم نیازهای مازلو بیان شد، سلسله‌مراتب

نیازها برای افراد مختلف متفاوت است و در نتیجه نمی‌توان بر سلسله‌مراتبی واحد تکیه کرد. اما آنگاه که از درجه فضای شهری به نیازها نگریسته شود، طبقه‌بندی نیازها تعریفی نو می‌یابد. اگر تأمین نیازهای انسانی با هدف جذب افراد بیشتر به فضای شهری صورت گیرد، می‌توان نوعی از سلسله‌مراتب را در نیازها مشاهده کرد. به این ترتیب که اگر فضایی نیاز به حیات و ایمنی را برنیورد،



۱. نیازهای جسمی^{۴۷}، مثل گرسنگی و تشنگی،
 ۲. نیاز به ایمنی^{۴۸}، مثل امنیت و محافظت در مقابل صدمات فیزیکی،
 ۳. نیاز به روابط اجتماعی و محبت^{۴۹}، مثل عضویت در گروه‌های اجتماعی و نیاز عاطفی،
 ۴. نیاز به تأیید و احترام^{۵۰}، یعنی فرد نزد خود و دیگران ارزشی بالا داشته باشد. این نیاز با حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های مختلف قابل تأمین است،
 ۵. نیاز به خودشکوفایی^{۵۱}، که بیانگر میل به ارضای ظرفیت‌های فردی است.^{۵۲} به این معنی که فرد تمایل دارد که هرچه بیشتر به آنچه می‌تواند باشد نزدیک شود (ت ۵).^{۵۳}

به بخشی از نظریه مازلو، مبنی بر وجود سلسله‌مراتب و اولویت‌بندی نیازها، انتقادات اساسی شده است.^{۵۴} بسته به دیدگاه فرد نسبت به زندگی، شخصیت فردی، فرهنگ، و عادات، شدت نیازها در افراد مختلف متفاوت است. همه افراد طالب آسایش جسمی زیاد نیستند. برخی به نیاز تعلق و یا خویش‌نمایی بیش از نیازهای جسمی اهمیت می‌دهند. برخی حاضرند جان خود را



37. Physiological needs
 38. Security, Safety
 39. Affiliation, Love
 40. Recognition, Esteem
 41. Self Actualization

تک: رفیع‌پور، همان.

تک: ۴۳.

Maslow, *Motivation and Personality*.

تک: رفیع‌پور، همان.

تک: لنگ، همان.

46. Fundamental human needs by Manfred

Max-Neef, *Human Scale Development*.

47. Subsistence, Protection, Affection, Understanding, Participation, Leisure, Creation, Identity, Freedom

48. Manfred A. Max Neef, et al, *Human Scale Development*.

ت ۵ (راست). مدل سلسله‌مراتبی نیازهای مازلو. مأخذ: رفیع‌پور، *انatomی جامعه*، ۱۳۷۷.

ت ۶ (چپ). مدل نیازهای ماکس نیف، برگرفته از:

Max Neef, et al, *Human Scale Development*.

۷. کیفیت‌های مؤثر بر امکان انتخاب رفتارهای چندگانه در فضای شهری

بنا بر این، کیفیت‌های محیط هریک زیربنای ارضای بخشی از نیازهای انسانی را فراهم می‌آورند و محیطی که قادر باشد نیازهای بیشتری را پاسخ گوید، امکان وقوع رفتارهای متنوع‌تری را ایجاد می‌کند. در واقع کیفیت‌های محیط، نیازهای انسانی، و رفتارهایی که به وقوع می‌پیوندند، رابطه‌ای تنگاتنگ با یکدیگر دارند. نظریه‌پردازان و طراحان شهری، با عبارات مختلفی به بیان عوامل مؤثر در تقویت زندگی اجتماعی، امکان انتخاب رفتارهای چندگانه، و افزایش حضور مردم در فضا پرداخته‌اند. در این پژوهش، گفته‌های نظریه‌پردازان شاخصی بررسی می‌شود که به اشکال مختلف به امکان تأثیر محیط فیزیکی بر زندگی اجتماعی معتقدند و در این مسیر روش‌ها و کیفیاتی را بیان کرده‌اند. به طور مثال، استفان کاپلان، به بیان ویژگی‌های محیطی می‌پردازد که مردم ترجیح می‌دهند در آن حضور داشته باشند. یان گل، با اجرای پروژه‌های متعدد، تغییرات لازم در فضای شهری را معرفی می‌کند، به طوری که منتج به تقویت زندگی اجتماعی گردد. ویلیام وایت نیز ویژگی‌های فضایی را بیان می‌کند که باعث افزایش استفاده مردم از فضا می‌گردد؛ و مارک فرانسیس پیش‌نیازهایی را در طراحی مطرح می‌کند که برای استفاده مردم از فضا لازم است.

۱.۷. عوامل مؤثر در ترجیح محیط از طرف مردم، از دیدگاه استفان کاپلان

مردم حضور در فضایی را ترجیح می‌دهند که دو هدف «معنادر بودن» و «درگیر کردن» را برآورده کند. کاپلان معتقد است که برآورده شدن هدف اول، با ایجاد پیوستگی^{۴۲} و خوانایی^{۴۳} امکان‌پذیر است. پیوستگی به عواملی مربوط می‌شود که باعث فهم ساده‌تر تصویر محیط می‌شوند. در طراحی محیط مهم است که تغییر رنگ یا نوره با وقایع موجود همخوان باشد. به این معنی که هنگامی که چیزی توجه را جلب می‌کند، باید مسئله مهمی با ارزش دیده شدن

مکت در فضا به حداقل خواهد رسید. پس از آن تأمین نیاز به آسودگی است که توقف طولانی‌تری در فضا را امکان‌پذیر می‌کند. و در نهایت تأمین دیگر نیازها، شامل علاقه، درک، مشارکت، خلاقیت، هویت و آزادی، چندبیت توقف طولانی در فضا را فراهم می‌کند.

۱.۶. تأثیر نظام اجتماعی- فرهنگی بر روی نیازها

گرچه نیازهای بنیادین انسان، جنبه عام دارد و بدون محدودیت مکانی و زمانی است، اما در عین حال این نیازها به دو دلیل تحت تأثیر نظام‌های اجتماعی- فرهنگی متفاوت هستند. اولاً ابزار و وسیله ارضای نیازها در شرایط هر جامعه و حتی هر گروه متفاوت است. ثانیاً فراتر از آن، میزان نیازمندی و وابستگی به این نیازها نیز تا حدی نسبت به شرایط جامع و فرهنگ‌ها متفاوت است. به طوری که این نیازها در طول مراحل اجتماعی شدن، قابل تقویت و تشدید یا تضعیف هستند.^{۴۴}

به طور مثال نیاز به روابط اجتماعی در جوامع مختلف به صورت‌های متفاوتی ارضا می‌شود. مثلاً بچه یک آلمانی بر اساس هنجارهای آن کشور، باید از طفولیت در یک اتاق تنها بخواهد. سپس او را عادت می‌دهند که در تنهایی مطالعه کند. در نتیجه او به تدریج آدم ساکت، کم‌حرف، و کم‌رابطه‌ای می‌شود. به تنهایی سفر می‌کند و زندگی فردی خود را جدا از خانواده در پیش می‌گیرد. بنا بر این فرد نسبت به یک شرقی از خاور میانه، مثلاً یک ایرانی، که از کودکی در محافل خانوادگی و دوستان بزرگ شده، نیاز کمتری به روابط اجتماعی دارد.^{۴۵}

بنا بر این توجه به شرایط اجتماعی- فرهنگی در تعریف نیازها اهمیت دارد. هرچند نباید فراموش کرد که موفقیت موجود در ناحیه‌ای خاص و زمانی خاص نشانه‌ای ناکامل از نیازهای مردم است. ایجاد پارچوب فیزیکی مناسب برای فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی، با گذشت زمان آشکارکننده نیاز انسانی سرکوب‌شده‌ای است که از همان ابتدا نادیده انگاشته شده است.^{۴۶}

۴۹. نک. رفیع پور، همان.

۵۰. نک. همان.

۵۱. نک. گل، همان.

52. Coherence

53. Legibility

شهری سرزنده، سالم، امن، و پایدار را ایجاد و مهم‌تر از همه زندگی اجتماعی را تقویت می‌کنند:

۱. زندگی در حالت پیاده‌انداز می‌افتد. راه رفتن، شروع است؛

نقطه آغاز انسان برای راه رفتن خلق شده است، و همه

وقایع زندگی از کوچک و بزرگ، هنگام راه رفتن انسان

در میان دیگر مردم اتفاق می‌افتد. در حالت پیاده‌انداز، زندگی

با همهٔ تنوعش به روی فرد گشوده می‌شود. پیش‌نیاز

تقویت زندگی اجتماعی «ایجاد فرصت‌های مناسب

برای راه رفتن» است. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد،

خیابان‌های بیشتر، عبور و مرور بیشتر را تسهیل می‌کنند.

موقعیت بهتر برای دوچرخه‌سواران، مردم بیشتری را به

دوچرخه‌سواری دعوت می‌کند؛ اما با از تقای وضعیت

برای پیاده‌انداز، نه تنها عبور و مرور پیاده‌انداز می‌شود، بلکه،

مهم‌تر از همه، زندگی اجتماعی نیز تقویت می‌گردد.

۲. برای تقویت زندگی اجتماعی لازم است که مسیرهایی

مستقیم و منطقی، سلسله‌مراتبی روشن، و در یک کلام

خوانایی کالبدی وجود داشته باشد.

۳. فضای شهری باید حواس مختلف انسان را درگیر کند و

در نتیجه دارای غنای حسی باشد.

۴. ایمنی و امنیت محیط در فضای شهری لازم است.

هدف در این ایمنی و امنیت دنبال کردن تقویت زندگی

اجتماعی است، ایمنی در مقابل تصادفات و امنیت در

مقابل جرائم.

۵. اختلاط کاربری انگیزهٔ توقف در فضا را افزایش می‌دهد.

۶. یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت زندگی اجتماعی، تسهیل

۵۴. تک.

S. Kaplan, "Perception and Landscape: Conceptions and Misconceptions".

55. Complexity

56. Mystery

۵۷. تک.

Kaplan, ibid.

در میان باشد. اگر این چنین نباشد، پیوستگی نیست. خوانایی مربوط به وجود امنیت خاطر در محیط است. اطمینان به اینکه فرد می‌تواند

به‌خوبی در محیط عمل کند و مسیر رفت‌ووبرگشت خود را بیابد.^{۵۴}

درگیر کردن، هدفی است که به عقیدهٔ کاپلان، با ایجاد پیچیدگی^{۵۵}

و رازآلودی^{۵۶} برآورده می‌گردد. پیچیدگی می‌تواند تنوع و باغنی بودن

محیط نیز در نظر گرفته شود. میزان اتفاقات محیطی و چیزهایی که

برای نگاه کردن هست، پیچیدگی را تعریف می‌کنند. هرچه پیچیدگی

بیشتر باشد، ساختارمندی بیشتری لازم است تا پیوستگی ایجاد گردد.

رازآلودی، به معنای فرصت دریافت اطلاعات جدید از محیط است.

کیفیتی که انگیزهٔ ادامهٔ مسیر را ایجاد می‌کند؛ ادامهٔ مسیر، کمی بیشتر.

باید توجه داشت که رازآلودی به‌هیچ‌وجه به معنای قابل فهم نبودن

محیط نیست. بلکه به معنای برانگیختن کنجکاوی است.^{۵۷}

با توجه به مطالبی که کاپلان در خصوص ترجیح محیط بین

مردم مطرح می‌کند، می‌توان نتیجه گرفت که مردم فضایی را انتخاب

می‌کنند که در آن کالبد و فرصت‌ها خوانا باشند، امنیت داشته باشد،

حواس مختلف را درگیر کند و دلایل متنوعی برای مکث داشته باشد.

۲.۷. عوامل مؤثر در تقویت زندگی اجتماعی از نظر یان گل

یان گل در طی سال‌ها پروژه‌های فراوانی را به منظور تقویت

زندگی اجتماعی در شهرهای مختلف جهان انجام داده و کتاب‌های

مختلفی نیز تدوین کرده است. به عقیدهٔ او راه رفتن و مکث مردم در

فضاهای شهری مسئله‌ای است که به ایجاد یک دعوت اغواکننده

بسیار وابسته است. همان‌طور که دعوت اتومبیل به فضاهای شهر،

طی سال‌ها پیاده‌انداز به داخل فضاهای بسته رانده و اولویت را به

اتومبیل داده است، دعوت پیاده‌انداز می‌تواند این روند را معکوس کرده و

زندگی را به فضای شهری بازگرداند. اگر «فضای شهری بهتری»

تأمین شود، استفاده از فضا متقابلاً افزایش می‌یابد. این نتیجه از یک

نیمکت تا یک فضای شهری، یک محله، و کل شهر قابل تعمیم

است. یان گل ویژگی‌های متعددی را مطرح می‌کند که در کنار هم



۷. فضایی برای توقف و نشستن جذاب است که آسایش اقلیمی داشته باشد و خرداقلیم مطلوبی ایجاد کند، در مقابل انسان صحنه‌هایی برای تماشا کردن باشد، محل نشستن به‌درستی مکان‌یابی شده باشد و پاکیزگی محیطی از لحاظ آنکه آلودگی صوتی نباشد و پاک بودن هوا تأمین شده باشد. امکان برقراری مکالمه و امکان شنیدن صدای فعالیت‌های انسانی، هر دو کیفیت‌هایی مهم هستند.

۸. به جای در نظر گرفتن فضایی خاص برای فعالیت‌های خاص، طراحی یک فضای شهری می‌تواند بر اساس اصولی ثابت (چارچوب فعالیت‌های روزانه)، اصولی انعطاف‌پذیر (مراسم و وقایع موقت که در طول سال اتفاق می‌افتند) و اصولی روان (تعداد زیادی واقعه کوچک در سراسر فضا) شکل گیرد. بنا بر این فضا باید آماده پذیرش فعالیت‌های متنوعی گردد و قابلیت انعطاف داشته باشد.

۹. تجربه حس آسایش و لذت در فضا، به این بستگی دارد که فضا تا چه حد با بدن انسان و حواس او هماهنگی دارد. طراحی بر اساس مقیاس انسانی، کیفیتی ضروری برای فضای شهری است که به دنبال جذب حضور مردم در فضا است.

۱۰. شخصیت بصری، زیبایی فضا و طراحی دقیق جزئیات، خود یک کیفیت است. البته باید توجه داشت که شخصیت بصری، تا زمانی که امنیت، آسایش اقلیمی، و امکان مکث فراهم نشده باشد، به‌هیچ‌وجه کافی نیست.^{۵۸}

۳.۷. عوامل افزایش تمایل مردم به حضور در فضا از نظر ویلیام وایت

ویلیام وایت سال‌ها به مطالعه زندگی در فضاهای شهری کوچک پرداخته و معتقد است که استفاده از فضا، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های موفقیت آن است. او در کتاب خود، زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک به بیان عواملی می‌پردازد که

۵۸. نک:

Gehl, ibid.

۵۹. نک:

W. Whyte, *The Social Life of Small Urban Spaces*.

باعث می‌شود مردم از فضاهای شهری استفاده کنند:

۱. فضاهای شهری باید فضای نشستن برای مردم فراهم کنند. هرچا، جایی برای نشستن باشد مردم می‌نشینند.
۲. ایجاد آسایش اقلیمی و استفاده از طبیعت (آب و درخت) در فضای شهری استفاده از آن را افزایش می‌دهد.
۳. ایجاد فضاهایی برای غذا خوردن در جلب مردم به فضا بسیار مؤثر است. درواقع، اگر بنا باشد که افراد توفقی طولانی در فضا داشته باشند، تأمین فضاهایی برای غذا خوردن ضروری خواهد بود.
۴. فراهم آوردن فرصت‌هایی که باعث گردهم آمدن مردم می‌شود در تقویت زندگی اجتماعی نقشی اساسی دارد.^{۵۹}

۴.۷. از دیدگاه آلن جیکوبز

آلن جیکوبز معتقد است که خیابان خوب، خیابانی است که به تشکیل اجتماعات کمک و تعاملات مردم را تسهیل می‌کند. بنا بر این با بیان ویژگی‌های خیابان خوب، آلن جیکوبز درواقع چگونگی ارتقای تعاملات بین مردم را معرفی می‌کند:

۱. مردم در حال رانندگی با اتومبیل، دیگران را ملاقات نمی‌کنند. بلکه در حالت پیاده است که تعاملات اتفاق می‌افتند. بنا بر این فضا باید برای پیاده آماده‌سازی شود. البته این به‌هیچ‌وجه به معنای حذف سواره سوار نیست.
۲. خیابان خوب باید برای حفاظت از پیاده در مقابل سواره و امن باشد. تمهیداتی مثل کاشت درخت در مرز سواره و پیاده احساس امنیت را افزایش می‌دهد.
۳. خیابان خوب باید آسایش اقلیمی را تا حد امکان فراهم کند. محافظت در مقابل باران، باد، و آفتاب در میزان استفاده مردم از فضا تأثیر بسزایی دارد.
۴. خیابان خوب باید تعریف شده باشد. به این معنی که ابتدا و انتها، ارتفاع و جداره‌ها همه به‌درستی تعریف شده

۵.۷. عوامل افزایش تمایل مردم به استفاده از فضا از نظر مارک فرانسیس

میزان استفاده مردم از فضا یکی از نشانه‌های موفقیت یا ناموفقیت آن است. مارک فرانسیس به بیان اصولی می‌پردازد که پیش‌نیاز استفاده مردم از فضا هستند:

۱. ایمنی و امنیت؛ احساس ایمنی و امنیت یکی از پیش‌نیازهای استفاده از فضا است. به طور مثال، سرعت سواره، یکی از مهم‌ترین دلایل جلوگیری اولیا از حضور کودکان در فضا است و همان‌طور که در دسته‌بندی نیازهای ماکس نیف بیان شد، ایمنی و امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهایی است که باید در فضا تأمین شود. در غیر این صورت از فضا استفاده نخواهد شد.
۲. آسایش؛ محل نشستن راحت، دسترسی به آفتاب، و مصونیت از باد و باران و دیگر عوامل جوی، در استفاده و رضایت مردم از فضای شهری تأثیر بسزایی دارد. در تطبیق مدل نیازهای ماکس نیف بر فضای شهری، آسودگی نیازی است که پس از حیات و ایمنی بیش از دیگر نیازها در فضای شهری اهمیت می‌یابد.
۳. زیبایی و ادراک؛ زیبایی و ادراک در استفاده از فضا اهمیت دارند، هرچند کمتر به آن توجه شده است. چگونگی ادراک مردم از یک محیط می‌تواند باعث استفاده یا عدم استفاده آن‌ها از محیط شود. عواملی مثل سروصدا بر ادراک مردم از محیط تأثیر می‌گذارد. همین‌طور گروه‌های مختلف مردم به صورت‌های مختلفی فضا را ادراک می‌کنند.
۴. کنترل و مشارکت؛ میزان آزادی عمل و کنترلی که در یک فضا تعریف شده، در میزان استفاده و لذت مردم از فضا تأثیرگذار است. مشارکت کاربران در روند طراحی و مدیریت، به طور مستقیم بر رضایت کاربران بعدی، که مشارکتی هم نداشته‌اند، مؤثر است.
۵. میزان عمومی بودن فضا؛ عمومی بودن فضا و میزان استفاده

۶۰ نک:

D. Watson, et al, *Time Saver for Urban Design*.

- باشند. هرچه یک خیابان پهن‌تر باشد، ارتفاع بیشتری در جداره‌ها لازم است تا آن را تعریف کند.
۵. چشم‌ها حرکت می‌کنند، مگر اینکه هیچ چیز دیدنی‌ای نباشد. خیابان خوب باید طوری طراحی شود که چشم‌ها را به حرکت وادارد. وجود جزئیات در حد مقیاس انسانی، شخصیت بصری، و نیز وقایع متنوع عواملی هستند که حضور در فضا و نگاه کردن به اطراف را جذاب می‌کند.
۶. خیابان خوب، جداره‌ای شفاف دارد و می‌توان به آنچه در پشت دیوارها واقع می‌شود، نیم‌نگاهی انداخت.
۷. در خیابان خوب، بین بناها هماهنگی و وحدت هست.
۸. نگاه‌داری و پاکیزگی خیابان، از مهم‌ترین خصوصیات لازم برای جذب مردم است.
۹. اختلاط و تنوع بناها، علاوه بر افزایش علاقه مردم به حضور در فضا، به آن مقیاس انسانی می‌دهد.
۱۰. کیفیت عرصه همگانی و طراحی دقیق جزئیات، در جذب مردم به فضای شهری تأثیر بسزایی دارد.
۱۱. مردم باید بتوانند به راحتی به خیابان دسترسی داشته باشند. خیابان خوب معمولاً دسترسی مناسبی به حمل‌ونقل عمومی دارد. نکته دیگر در مورد دسترسی این است که فضا باید برای استفاده ناآنان جسمی نیز آماده و به راحتی برای آن‌ها قابل دسترسی باشد.
۱۲. تراکم بالا باعث می‌شود که پتانسیلی از مردم در فضای شهری نهفته باشد. فضای شهری نه تنها برای مردم است، بلکه با حضور مردم است که معنا می‌یابد. بنا بر این تراکم بالا به تقویت زندگی اجتماعی یاری می‌رساند.
۱۳. گذر زمان، به ایجاد یک خیابان خوب کمک می‌کند. حس زمان در فضا، تمایل به مکث را افزایش می‌دهد. اما نمی‌توان فضای در کوتاه‌مدت ساخته‌شده را جذاب ندانست. حس زمان، دستیابی به خیابان خوب را تسهیل می‌کند.^{۶۰}

۸. چارچوب مفهومی نیل به فضای شهری با امکان انتخاب رفتارهای چندگانه

با توجه به مفاهیم بررسی شده و دیدگاه‌های نظریه‌پردازان مختلف، می‌توان به جمع‌بندی از عوامل مؤثر در طراحی فضای شهری با امکان انتخاب رفتارهای چندگانه دست یافت. به طور کلی وقوع رفتارهای چندگانه در فضای شهری نیازمند تأمین دو گروه کیفیت است. پیش از هر چیز، افراد باید «امکان حضور در فضا» را داشته باشند. به این معنی که فضا باید کیفیاتی داشته باشد که، بدون حضور آن‌ها، احتمال انتخاب فضا از سوی افراد به‌شدت کاهش می‌یابد. به طور مثال، امنیت یکی از این کیفیات پیش‌نیاز به حساب می‌آید؛ اگر فضایی امن نباشد، هرچند همه شرایط دیگر را فراهم کند، امکان حضور برای افراد نخواهد بود. طبق مدل نیازهای ماکس نیف، کیفیاتی، که نیاز به حیات، ایمنی، و آسودگی را فراهم می‌کنند، در این دسته قرار می‌گیرند. پس از اینکه فضا به کیفیات پیش‌نیاز مجهز شده، برای افزایش احتمال وقوع رفتارهای چندگانه باید «تمایل به تداوم حضور» را نیز افزایش داد. اینکه حضور در فضایی ممکن باشد، برای انتخاب مردم کافی نیست، بلکه علاوه بر آن باید افراد انگیزه‌ای برای مکث در فضا بیابند. بنا بر این به طور کلی برای دستیابی به فضایی که پشتیبان رفتارهای چندگانه باشد، می‌توان دو هدف عام تدوین کرد:

۱. ایجاد امکان حضور در فضای شهری؛
۲. افزایش تمایل به تداوم حضور در فضای شهری (ت ۷).

دستیابی به هریک از این اهداف، نیازمند تأمین کیفیاتی خاص در فضا است که در کنار هم چارچوب مفهومی مطالعه حاضر را شکل می‌دهند. به طور کلی، نظریه‌پردازانی که هدف تقویت زندگی اجتماعی را دنبال می‌کرده‌اند، به کیفیات متعددی توجه داشته‌اند (ت ۸).

مردم از آن، با یکدیگر رابطه‌ای مستقیم دارند. فضای عمومی در داخل ساختمان، عمومیت کمتری دارد و کمتر استفاده می‌شود. دسترسی به فضا، عاملی مهم در میزان عمومی بودن آن و در نتیجه میزان استفاده از فضا به‌شمار می‌رود.^{۶۱}

۶.۷. عوامل بازگرداندن زندگی به فضاهای شهری از نظر جین جیکوبز

جین جیکوبز، معتقد است که زندگی از فضاهای شهری رخت بر بسته و با بازگرداندن تنوع به شهر، زندگی به آن باز خواهد گشت. اولین موضوعی که او در مورد شهر بیان می‌کند، لزوم تأمین امنیت است. پس از آن جیکوبز به بیان شروطی می‌پردازد که تنوع را به فضاهای شهری بازمی‌گرداند و فعالیت‌های متنوعی را تأمین می‌کند:

۱. شهر باید تنوعی از فعالیت‌ها و کاربری‌ها را تأمین کند.

در این خصوص باید به فعالیت‌هایی که مردم در ساعات مختلف انجام می‌دهند و به اهداف مختلفی که مردم دنبال می‌کنند، توجه شود.

۲. بلوک‌ها باید کوتاه باشند. کنج‌های زیادی تعبیه شده باشد و مقیاس انسانی رعایت شده باشد.

۳. علاوه بر تنوعی از فعالیت‌ها، تنوعی از ساختمان‌ها نیز برای بازگرداندن زندگی به شهر لازم است.

۴. نهایتاً لازم است که تراکم بالایی از مردم در فضا حضور داشته باشند. این حضور مردم، می‌تواند به دلایل مختلف باشد. بنا بر این باید دلایل متنوعی برای مکث مردم در فضا فراهم شود. تراکم بالای مسکونی نیز یکی از روش‌هایی است که حضور مردم در فضا را افزایش می‌دهد.

بنا بر این به طور کلی جین جیکوبز برای ایجاد تنوع و بازگرداندن زندگی اجتماعی به شهرها، کیفیاتی چون ایمنی و امنیت، اختلاط کاربری و فعالیت، مقیاس انسانی، و وجود دلیل مکث را ضروری می‌داند.^{۶۲}

۶۱ نک:

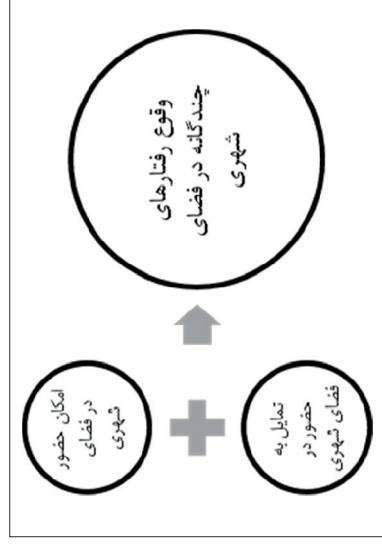
G. Moore, *Advances in Environment, Behavior, and Design*.

۶۲ نک:

J. Jacobs, *The Death and Life of Great American Cities*.

از بین این کیفیت‌ها^{۶۴}، شانزده کیفیت بر اساس مقیاس تأثیرگذاری آن‌ها^{۶۵}، عوامل اصلی مؤثر در افزایش امکان وقوع رفتارهای چندگانه درمقیاس فضایی شهری دانسته و انتخاب شده‌اند، که همان‌طور که پیش از این بیان شد در دو گروه کلی قابل تقسیم هستند:

۱. کیفیاتی که امکان حضور در فضای شهری را ایجاد می‌کنند؛ شامل هفت کیفیت دسترسی، پیاده‌روهای، ایمنی و امنیت، آسایش اقلیمی، امکان مکث طولانی، همه‌شمول بودن و انعطاف‌پذیری؛



۶۴ انتخاب بخش اعظمی از کیفیت‌ها بر گرفته از گلکار، «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری».

۶۵ به طور مثال، تراکم بالا و یا مشارکت، در مقیاس فضای شهری که در دسترس عموم است، اهمیت کمتری نسبت به مقیاس محله و فضای شهری نیمه‌عمومی دارد.

۶۶ نیک:

A. Jacobs, *Great Streets*.

۶۶ منظور از این کیفیت، فراهم آوردن شرایطی است که مکث طولانی در فضا را ممکن می‌کند. به طور مثال وجود مکان نشستن، سرویس بهداشتی، و محل تهیه غذا اعم از رستوران، کافه، و غیره، ایجاد این کیفیت را به دنبال دارند.

۶۷ این کیفیت، کیفیتی است که ویلیام وایت با عنوان triangulation معرفی می‌کند و منظور هر رویدادی است که می‌تواند مردم را به مکث در فضا و گردهم‌آمن تشویق کند.

ت ۷ (بالا) چارچوب کلی طراحی فضای شهری پشتیبان رفتارهای چندگانه، ماخذ: نگارنده.
ت ۸ (پایین)، کیفیات تقویت زندگی اجتماعی از دیدگاه نظریه‌پردازان، ماخذ: نگارنده.

مارک	آئن جیکوبز ^{۶۵}	یان گل	ویلیام وایت	استفان کاپلان	جین جیکوبز	نظریه‌پردازان	کیفیت‌ها
فرانسیس	•					دسترسی	
	•	•				پیاده‌روهای	
•	•	•		•	•	ایمنی و امنیت	
•	•	•	•			آسایش اقلیمی	
		•	•			امکان مکث طولانی ^{۶۶}	
						همه‌شمول بودن	
		•				انعطاف‌پذیری	
		•				کیفیت عرصه همگانی	
		•			•	اختلاط کاربری و فعالیت	
		•	•	•	•	وجود دلیل مکث ^{۶۷}	
		•			•	مقیاس انسانی	
•	•	•				حس زمان	
		•				شخصیت بصری	
		•		•		خوانایی کالبد و فرصت‌ها	
		•		•		غناي حسی	
		•				پاکیزگی محیطی	
	•				•	تراکم بالا	
•	•					مشارکت	

نتیجه گیری

همان‌طور که اشاره شد، فضاهای شهری در طول زمان ماهیت خود را از دست داده‌اند. ماهیتی که بستر وقوع زندگی اجتماعی را ایجاد می‌کند، امروزه تنها کانال‌هایی برای عبور و مرور انسان‌ها فراهم می‌آورد. مدت زیادی است که مردم در اغلب فضاهای شهری، دلیلی برای مکت نمی‌یابند و فضا قابلیت پاسخ‌گویی به رفتارهای متنوع، تمایلات، و نیازهای مردم را ندارد. این در حالی است که تکامل روابط اجتماعی، حضور مردم در فضاهای شهری را می‌طلبد و فضاهای شهری نیز تنها با حضور مردم به هدف غایی خود می‌رسند.

بررسی‌های این نوشتار نشان می‌دهند که طراحی شهری به همراه عوامل دیگری چون سیاست، فرهنگ، و اقتصاد، در وقوع رفتارها تأثیرگذار است و هرچند تأثیر طراحی شهری از

۲. کیفیاتی که تمایل به حضور در فضای شهری را افزایش

می‌دهند؛ شامل نه کیفیت اختلاط کاربری و فعالیت، کیفیت عرصه همگانی، وجود دلیل مکت، مقیاس انسانی، حس زمان، شخصیت بصری، خوانایی کالبد و فرصت‌ها، غنای حسی و پاکیزگی محیطی (ت ۹ و ۱۰). لازم به ذکر است که هدف اصلی این کیفیت‌ها، تأمین نیازهای بنیادین انسان است که در واقع خود انگیزه رفتارهای انسان را شکل می‌دهد. بنا بر این فضای شهری‌ای موفق خواهد بود که کیفیت‌های آن امکان برآوردن همه نیازهای بنیادین انسان را فراهم کند. کیفیت‌های پشتیبان رفتارهای چندانگانه، هریک تعدادی از نیازهای بنیادین را تأمین می‌کنند، که در جدول «ت ۱۱» قابل مشاهده است.

ت ۹ (راست) اهداف عام و کیفیات پشتیبان رفتارهای چندانگانه، مأخذ: نگارنده.
ت ۱۰ (چپ) چارچوب مفهومی طراحی فضای شهری پشتیبان رفتارهای چندانگانه، مأخذ: نگارنده.



کیفیت‌های طراحی شهری	اهداف عام	چشم‌انداز کلی
دسترسی	ایجاد امکان حضور در فضای شهری	امکان انتخاب رفتارهای چندانگانه در فضای شهری
پیاده‌رواری		
ایمنی و امنیت		
آسایش اقلیمی		
امکان مکت طولانی	افزایش تمایل به حضور در فضای شهری	
همه‌شمول بودن		
انعطاف‌پذیری		
کیفیت عرصه همگانی		
اختلاط کاربری و فعالیت		
وجود دلیل مکت		
مقیاس انسانی		
حس زمان		
شخصیت بصری		
خوانایی کالبد و فرصت‌ها		
غنای حسی		
پاکیزگی محیطی		



دیگر عوامل کمزنگ‌تر است، نمی‌توان آن را نادیده گرفت. چرا که اگر محیط قابلیت تأمین رفتاری را نداشته باشد، آن رفتار رخ نمی‌دهد، هرچند دیگر عوامل مساعد باشند.

در این نوشتار، رابطه نیازها، رفتارها، و فعالیت‌ها با محیط را بررسی شده و نتایج حاصله نشان می‌دهند که محیط بر روی فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی، بیش از فعالیت‌های ضروری تأثیرگذار است. علاوه بر این، به طور کلی محیط با ایجاد فرصت‌های رفتاری، محیطی بالقوه برای رفتار ایجاد می‌کند و فرصت‌هایی که مردم ادراک و استفاده می‌کنند، محیط مؤثر را شکل می‌دهند. هرچه محیط بالقوه و مؤثر بر هم انطباق بیشتری داشته باشند، فضای شهری به تأمین هدف خود نزدیک‌تر خواهد بود. نتایج این مطالعه بر این امر ادعان دارند

که عواملی چون فرهنگ، هزینه‌ها و پاداش‌های انجام هر رفتار، شایستگی‌های فردی، و ترجیحات محیطی، همه بر شکل‌گیری محیط تأثیرگذار هستند و توجه به آنها در روند ایجاد فرصت‌های رفتاری، انطباق محیط بالقوه بر محیط مؤثر را محتمل‌تر می‌کند. پس از بررسی ارتباط محیط و رفتار مردم، آنچه نگارندگان را به سمت تدوین چارچوب مفهومی مد نظر، رهنمون می‌کند، بررسی نظریات افراد مختلف دربارهٔ چگونگی افزایش میزان استفادهٔ مردم از فضا و تقویت زندگی اجتماعی است. بررسی نظریات کاپلان، گل، وایت، آلن جیکوبز، فرانسیس، و جین جیکوبز، در مطالعهٔ حاضر در تدوین کیفیت‌های مؤثر بر وقوع رفتارهای چندگانه یاری می‌کند. درنهایت چارچوب مفهومی به این ترتیب شکل می‌گیرد که وقوع رفتارهای چندگانه، به حضور

نیازها	حیات	ایمنی	علاقه	درک	مشارکت	آسودگی	علاقیت	هویت	آزادی
دسترسی	•					•			•
پیاورد هواری		•	•	•	•	•			•
ایمنی و امنیت		•							•
آسایش اقلیمی		•				•			
امکان مکث طولانی	•		•	•					•
همه شمول بودن					•			•	•
انطباق‌پذیری			•			•	•		•
کیفیت عرصه همگانی		•	•	•		•			•
اختلاف کاربری و فعالیت	•				•		•		•
وجود دلیل مکث							•		•
مقیاس انسانی			•	•		•		•	
حس زمان			•	•		•		•	
شخصیت بصری				•				•	
خوانایی کابرد و فرصت‌ها				•				•	
غناي حسی			•		•			•	
پاکیزگی محیطی		•				•			

ت ۱۱. رابطهٔ نیازها و کیفیت‌های فضای شهری با امکان انتخاب رفتارهای چندگانه، مأخذ: نگارنده.

دو دسته کیفیت در محیط وابسته است. دسته اول کیفیت‌هایی هستند که امکان حضور در فضای شهری را فراهم می‌آورند. این کیفیت‌ها شامل دسترسی، پیاده‌رواری، ایمنی و امنیت، آسایش اقلیمی، امکان مکث طولانی، همه شمول بودن، و انعطاف‌پذیری هستند و پیش‌نیاز کیفیت‌های دسته دوم به حساب می‌آیند. کیفیت‌های دسته دوم تمایل به حضور در فضای

شهری را افزایش می‌دهد و دربرگیرنده کیفیت عرصه همگانی، وجود دلیل مکث، مقیاس انسانی، حس زمان، شخصیت بصری، خوانایی کالبد و فرصت‌ها، غنای حسی، و پاکیزگی محیطی هستند. این کیفیت‌ها با تأمین نیازهای مختلف، در مجموع بستر وقوع رفتارهای چندگانه را در فضا فراهم می‌آورند و زندگی اجتماعی را تقویت می‌کنند.

منابع و مأخذ

- Jacobs, A. *Great Streets*, London: MIT Press, 1993.
- Jacobs, J. *The Death and Life of Great American Cities*, London: Pelican Book, 1961.
- Kaplan, S. "Perception and Landscape: Conceptions and Misconceptions", in *Proceedings of our National Landscape: A Conference on Applied Techniques for Analysis and Management of the Visual Resource* [Incline Village, Nev., April 23-25, 1979], Gen. Tech. Rep. PSW-GTR-35.
- Berkeley, CA. "Pacific Southwest Forest and Range Exp. Stn.", in *Forest Service*, U.S. Department of Agriculture, 1979, p. 241-24
- Maslow, A. *Motivation and Personality*, New York: HarperCollins Publishers, 1987.
- Max-Neef, M, et al. *Human Scale Development*, Sydney: The Apex Press, 1991.
- Moore, G. *Advances in Environment, Behavior, and Design: Volume 4: Toward the Integration of Theory, Methods, Research, and Utilization*, New York: Plenum Press, 1997.
- Rapoport, A. *Human Aspects of Urban Form*, New York: Pergamon Press, 1977.
- Watson, D. & A. Plattus & R. Shibley. *Time Saver Standards for Urban Design*. New York: Mc-Graw Hill Professional, 2003.
- Whyte, W. *The Social Life of Small Urban Spaces*, New York: Project for Public Spaces, 1980.
- Jacobs, A. *Great Streets*, London: MIT Press, 1993.
- Jacobs, J. *The Death and Life of Great American Cities*, London: Pelican Book, 1961.
- Kaplan, S. "Perception and Landscape: Conceptions and Misconceptions", in *Proceedings of our National Landscape: A Conference on Applied Techniques for Analysis and Management of the Visual Resource* [Incline Village, Nev., April 23-25, 1979], Gen. Tech. Rep. PSW-GTR-35.
- Berkeley, CA. "Pacific Southwest Forest and Range Exp. Stn.", in *Forest Service*, U.S. Department of Agriculture, 1979, p. 241-24
- Maslow, A. *Motivation and Personality*, New York: HarperCollins Publishers, 1987.
- Max-Neef, M, et al. *Human Scale Development*, Sydney: The Apex Press, 1991.
- Moore, G. *Advances in Environment, Behavior, and Design: Volume 4: Toward the Integration of Theory, Methods, Research, and Utilization*, New York: Plenum Press, 1997.
- Rapoport, A. *Human Aspects of Urban Form*, New York: Pergamon Press, 1977.
- Watson, D. & A. Plattus & R. Shibley. *Time Saver Standards for Urban Design*. New York: Mc-Graw Hill Professional, 2003.
- Whyte, W. *The Social Life of Small Urban Spaces*, New York: Project for Public Spaces, 1980.
- رفعی‌پور، فرامرز. *آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
- غفاری، لیلاد. *طراحی فضای شهری با امکان انتخاب رفتارهای چندگانه، راهنمای طراحی شهری معطوف به تقویت زندگی اجتماعی در خیابان شریعتی تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
- گل، یان. *زندگی در فضای میان ساختمان‌ها*. ترجمه شیمیا شصتی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۷.
- _____ . *شهر انسانی*. ترجمه علی غفاری و لیلاد غفاری. تهران: علم معمار، ۱۳۹۲.
- گلکار، کوروش. «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری»، در صفحه، ش ۳۲ (بهار و تابستان ۱۳۸۰)، ص ۳۸-۶۵
- لنگ، جان. *آفرینش نظریه معماری*. نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- Alexander, C. *A Pattern Language: Towns, Buildings, Construction*, New York: Oxford University Press, 1977.
- Carmona, M. *Urban Design Reader*, Oxford: Architectural Press, 2007.
- Duzenli, T. & E. Bayramoglu & A. Özbilen. "Needs and Preferences of Adolescents in Open Urban Spaces", in *Scientific Research and Essay*, Vol. 5 (2) (2010), pp. 201-216.
- Frank, K.A. & Q. Stevens. *Loose Space- Possibility and Diversity in Urban Life*, Oxen: Routledge, 2006.
- Gehl, J. *Cities for People*, Washington: Island Press, 2010.